

پانزدهمین هم‌اندیشی دفتر پژوهش خراسان
با موضوع نقد نظام مالیاتی کشور

اصول، فدای وصول!

معافیت مالیاتی خوب یابد؟
نظام مالیاتی در چند کشور جهان
عدالت مالیاتی از نگاه بخش خصوصی
اصل نپر داختن!



پژوهش ویژه
مالیات
آسیب‌شناسی نظام



غلامحسین دوانی
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران



علیرضا فلاح میرزایی
داستان سابق سازمان امور مالیاتی



دکتر عباس هشی
استاد دانشگاه شهید بهشتی



غلامعلی طالبی
معاون دفتر تشخیص و حسابرسی
مالیاتی سازمان امور مالیاتی کشور



حسین نوروزی
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران
و مدیر تولید دانشنامه الکترونیکی مالیاتی

اصلِ پرداختن!

علی یعقوبی

به گواه مورخان از بدو ایجاد جوامع بشری و تشکیل حکومت ها و پیش آمدن هزینه های اداره جامعه، ساخت تاسیسات عام المنفعه، ایجاد نظم و برقراری امنیت در برابر هجوم بیگانه و... مسئله خراج و مالیات وجود داشته است. این که چرا باید مالیات داد، آن قدر بدیهی است که نیازی به اثبات ندارد اما آنچه مهم تر به نظر می رسد آن است که بدانیم چرا در فرهنگ ما ایرانیان عموماً مالیات یک هزینه سر بار یا پول زور و فرار از آن یک پیروزی و زرنگی تلقی می شود؟ ممکن است در اینجا این مسئله پیش آید که این «اخلاق اجتناب» در تمام جوامع وجود دارد و مربوط به فرهنگ ایرانی نیست. این حرف درستی است اما چه اتفاقی برای جامعه ما افتاده که مسئله پرداخت مالیات تا بدین پایه مایه بدبینی است که رد پای نکوهش آن را حتی در ضرب المثل های فارسی می توان یافت؟ و چرا دستگاه مالیاتی کشور مجبور است به لطائف الحیلی پای مردم را به دفاتر ممیزی مالیاتی برای تشکیل پرونده باز کند؟ به نظر نگارنده چند عامل مهم در شکل گیری این تفکر موثر بوده است:

تاریخچه منفی مالیات در ایران

تاریخ امور مالی و دیوانی ایران نشان می دهد که در برهه های مختلف به واسطه حاکمیت سلاطین جائر بر مردم ایران که بیشتر به کشاورزی و دامداری اشتغال داشتند فشار سنگینی وارد می آمده است. این فشار شامل فشار معیشتی و روانی بوده. به طوریکه وقتی یک کشاورز بخش قابل توجهی از عایدی خود را برای عیاشی و کشور گشایی حاکمان بدهد و تغییر قابل توجهی در رفاه و آسایش عمومی مردم مشاهده نکند و از طرفی فاصله طبقاتی بسیار زیاد بین طبقه حاکم و رعیت او را رخ دهد و همچنان بی کفایتی حاکمان در برقراری امنیت برای خود و خانواده اش در برابر هجوم وقت و بی وقت روس و انگلیس را با چشم خود ببیند انگیزه و دلیل موجهی برای پرداخت مالیات نمی یابد. در تاریخ ایران به جز برهه های کوتاهی مانند اوایل دوره صفویه که شاه عباس صفوی علاوه بر سامان دادن به خزانه و خراج، به واردات کالاهای خارجی و گمرکات هم مالیات بست و در دوره زندیه و در دوره کوتاه صدارت امیر کبیر و عباس میرزا نایب السلطنه و نیز تا حدی اوایل مشروطه که فشار کمتری بر مردم وارد شد تقریباً در بیشتر دوره های زمامداری، کشاورزان و دامداران و تجار که عمده طبقات اجتماعی را تشکیل می دادند تحت فشار شدید بودند. از طرف دیگر دستگاه حاکم هر قدر از ارزش های اعتقادی و مذهبی مردم فاصله می گرفت و به معیارهای حکومت طاغوت نزدیک تر می شد مردم نیز از پرداخت مالیات بیشتر آگرا پیدا می کردند، حتی تا قبل از انقلاب در میان عده ای از مردم پرداخت مالیات به دستگاه طاغوت به دلیل معاونت ظالم، حرام تلقی می شد. مجموع این شرایط تحمیلی طی سالیان دراز - که در جای جای نگرش ها، پندارها و فرهنگ ایرانیان اثری از آثار آن را می توان یافت - به طریق اولی در نوع مواجهه آن ها با مالیات نیز تاثیرات خود را گذاشته است.

اقتصاد نفتی

در کشورهایی که اقتصادشان بر پایه ثروت مفت به چنگ آمده ای به نام نفت نیست و دولت مجبور است هزینه ها را از محل مالیات تامین کند، هم مردم یاد گرفته اند که مالیات بدهند و هم دولت عادت کرده است که در مقابل مالیاتی که از مردم می گیرد پاسخگو باشد. البته این منحصر به کشورهای غیر نفتی نیست بلکه کشورهای نفتی بسیاری هستند که مبنای اقتصاد خود را بر درآمد حاصل از نفت پی ریزی نکرده اند. در کشور ایران که چشم دولت ها همواره به درآمد بادآورده نفت دوخته بوده است و مالیات، سهم کمی از درآمدهای دولت را به خود اختصاص می دهد. احساس نیاز و فشار و تبعه آن عزم جدی برای قانون گذاری و ایجاد سامانه سالم و قدرتمند اخذ مالیات وجود نداشته است. از طرفی چون دولت ها هزینه های خود را مستقیماً و به طور کامل از مردم دریافت نمی کرده اند خود را بدهکار ملت نمی دیده و به تبع آن در مقابل ملت عملاً چندان پاسخگو نبوده اند. و جالب

این است که این عدم پاسخگویی در خود دستگاه مالیاتی از همه جا بیشتر موج می زند.

احساس تبعیض و بی عدالتی در اخذ مالیات

متأثر از نظام غیر شفاف کسب و کار مانند واسطه گری های متعدد، خرید و فروش های بدون فاکتور رسمی و فقدان کد گذاری همه کالاها، مشاغل زیر زمینی و... نظام مالیاتی نیز غیر شفاف می شود. از سوی دیگر خود دستگاه مالیاتی نیز به دلیل کاستی های سیستمی خود نظیر ضعف تکنولوژی IT و وجود قوانین غیر شفاف و تفسیر بردار و بخش نامه های متعدد و متکثر بی اعتمادی بین مؤدیان و دستگاه مالیاتی را دامن می زند. سیستم طوری جلومی رود که از عده ای که بهر احتی شناسایی می شوند مانند حقوق بگیران و تولید کنندگان بزرگ مالیات گرفته می شود و بخش قابل توجهی از حلقه های ناپیدای فعالیت های اقتصادی از زیر بار پرداخت مالیات در می روند. و فضای حاکم بر سیستم مالیاتی همواره «دزد پولیسی» خواهد ماند. بدیهی است که این روند باعث دل سردی مالیات دهندگان خواهد شد و احساس تبعیض و بی عدالتی را در اخذ مالیات در پی خواهد داشت.

خدمات در مقابل مالیات

از دلایل دیگر شکل گیری فرهنگ گریز از مالیات، عدم دستیابی مالیات دهندگان به خدمات مناسب است. مالیات دهندنده انتظار دارد در مقابل مالیاتی که می دهد در محیط اطراف خود خدمات خوبی را مشاهده و دریافت کند. این نوع خدمات بیشتر در مدیریت و خدمات شهری مانند حمل و نقل عمومی، خدمات رفاهی شهری و روان کردن چرخ تولید و... تبلور دارد اما به نظر می رسد مردم با وجود پیشرفت های زیاد نسبت به قبل، از شرایط موجود رضایت ندارند. البته اطلاع رسانی درست و به موقع از برقراری و افزایش این نوع خدمات باعث ترمیم این نگاه می شود.

ریشه های دینی

یکی از مواردی که معمولاً ایجاد سوال می کند این است که نسبت میان مالیات و خمس و زکات چیست؟ اگر شریعت مقدس پرداخت خمس و زکات را واجب کرده آیا پرداخت کردن یا نکردن مالیات یک بحث علی حده و بی ربط به شریعت است؟ به نظر نگارنده خمس و زکات و جزیه از مقلاتی است که کاملاً قابلیت به روز رسانی در فقه پویای تشیع را دارد و در ترویج و فرهنگ سازی پرداخت آن کوتاهی شده است. اگر همه مردم خمس و زکات خود را پرداخت می کردند و فقه پویا نیز پا به پای پیشرفت های صنعتی و تخصصی شدن مشاغل پیش می رفت و موارد متعلق به آن به روز رسانی می شد نمونه این به روز رسانی در زمان حضرت امیر (ع) اضافه شدن مالیات بر اسبان بود. شاید دیگر نیازی به سیستم مالیاتی جدید نبود. البته این یک فرضیه است و نیاز به کار تخصصی فقهی و اقتصادی دارد. تا قبل از انقلاب اسلامی و ایجاد حکومت اسلامی کمتر در این باره فکر شده بود چون زمینه و احساس نیاز جدی در مورد آن پیش نیامده بود اما پس از انقلاب اسلامی لاقلاً باید روی این مدل اقتصادی اسلام کار کارشناسی بیشتری انجام می شد و عملاً در قالب یک مدل اقتصادی از ظرفیت آن استفاده می شد. در وضعیت فعلی و اقیمت مسئله این است که به هر حال موارد مربوط به خمس و زکات محدود است و به خوبی نیز پرداخت نمی شود. از سوی دیگر اداره جامعه امروزی با نیازهای تخصصی متعددش بسیار گسترده تر از موارد متعلق به خمس و زکات است. چیزی که مهم و لازم به نظر می رسد این است که عالمان دینی و متولیان سیستم مالیاتی کشور باید این مسئله را برای مردم تبیین کنند. جمع بندی این که درست است سیستم اقتصادی و فرهنگ اقتصادی کشور ما اشکالات جدی دارد اما مسئله مالیات یک امر دو سویه است و نباید طرفین آن توپ را به زمین یکدیگر بیندازند البته وظیفه حاکمیت و دولت قاعداً تا سنگین تر و مهم تر است چرا که اداره جامعه در دست اوست، اما نقش و وظیفه مردم نیز در این میان نباید نادیده گرفته شود. فرهنگ غلط مالیات گریزی در کنار باز کردن گره های نظام مالیاتی کشور باید از اذهان ایرانیان مسلمان زوده شود. بخشی از این هدف با کار ترویجی و فرهنگی میسر است اما بخش عمده آن به نحوه عملکرد دولت بر می گردد که آیا می تواند

اعتماد و عدالت را در این تعامل حاکم کند یا نه؟!

معافیت مالیاتی؛ خوب یا بد

دکتر جلال دهنوی

مهم ترین وظیفه دولت حداکثر کردن رفاه اجتماعی است. کاهش نرخ تورم، تامین امنیت ارائه کالاها و خدمات بیکاری، افزایش درآمد، کاهش نرخ تورم، تامین امنیت ارائه کالاها و خدمات عمومی همه و همه از جمله وظایفی است که دولت هادر چار چوب حداکثر کردن رفاه جوامع انجام می دهند. بر این اساس، هر دولتی برای اداره جامعه و تامین مخارج خود نیازمند امکانات مالی است تا بتواند وظایفی را که از جانب مردم به عهده گرفته به نحو مطلوبی انجام دهد.

معمول ترین و مهم ترین روش تامین مخارج دولت برای تامین رفاه اجتماعی، دریافت مالیات است. مالیات عبارت است از: "قسمتی از درآمد یا ثروت افراد که به منظور پرداخت بخشی از هزینه های عمومی و حفظ منافع اجتماعی و اقتصادی و سیاسی کشور به موجب قانون به وسیله دولت وصول می شود". با وضع مالیات توانایی افراد در استفاده از منابع اقتصادی که برای مصارف خصوصی در اختیار دارند، کاهش می یابد، زیرا مالیات باعث انتقال منابع و قدرت خرید از مردم به دولت می شود. از این رو، از نگاه انسان اقتصادی و منافع فردی پرداخت مالیات چندان خوشایند نیست و افراد همواره در تلاشند تا بر طبق منطق اقتصادی خود از پرداخت مالیات فرار کنند و یا معاف شوند. به بیان دیگر افراد جامعه سعی می کنند تا حد ممکن از کالاها و خدمات ارائه شده توسط دولت ها که هزینه آن عمدتاً از طریق پرداخت مالیات توسط افرادیک جامعه تامین می شود به طور ایگان استفاده کنند و یا به عبارتی سواری مجانی بگیرند (FreeRider).

همان طور که اشاره شد دو گروه در جامعه مالیات نمی پردازند، گروه اول؛ افرادی که از پرداخت مالیات فرار می کنند و گروه دوم؛ افرادی که از پرداخت مالیات معاف می شوند. از منظر اجتماعی فرار مالیاتی پدیده ای شوم است که موجب برهم زدن عدالت اجتماعی می شود و دولت ها اقدامات گسترده ای در زمینه شناسایی متخلفان و تنبیه آن ها انجام می دهند. از سوی دیگر معافیت مالیاتی یک سیاست تشویقی از جانب دولت ها است. همان طور که اشاره شد، هدف دولت ها از اخذ مالیات کسب درآمد برای تامین مخارج اجتماعی و نیل به سمت رفاه اجتماعی بیشتر است. حال اگر، فعالیت های اقتصادی افراد، گروه ها، سازمان ها و... (اعم از خدماتی، تولیدی، سرمایه گذاری و نظایر آن) به گونه ای باشد که کمک شایانی به اهداف و وظایف دولت در عرصه رفاه اجتماعی نماید، قطعاً دولت از این گونه فعالیت ها حمایت خواهد کرد. با توجه به ادبیات اقتصادی حمایت دولت به

دوروش معافیت از پرداخت مالیات و یا پرداخت یارانه حمایتی است. در مورد پرداخت یارانه مباحث متعددی انجام شده و در این یادداشت مختصر مجال پرداخت به آن وجود ندارد. اما در مورد معافیت های مالیاتی

اشاره به دو نکته ضروری به نظر می رسد.

نکته اول؛ در صورتی که دولت قوانین مرتبط با معافیت های مالیاتی را با دقت تدوین نکند و در عرصه اجرای آن نظارت کافی را نداشته باشد بیم آن می رود که بسیاری از افراد و گروه هایی که همواره از مالیات فرار می کنند به دلیل نقص در قانون و ضعف شبکه نظارت در صدد استفاده از معافیت های مالیاتی برآیند. به عبارت دیگر عدم دقت در قانون گذاری و نظارت بر اجرای آن ابزاری خواهد شد برای متخلفان تا اقدامات غیر قانونی خود را قانونی جلوه دهند و به جای تنبیه تشویق شوند.

دوم؛ همان طور که اشاره شد معافیت مالیاتی می بایست به افراد و گروه هایی تعلق گیرد که فعالیت اقتصادی آن ها به رفاه اجتماعی کمک کند. حال اگر معافیت مالیاتی منجر به برهم خوردن رقابت در یک بخش (به دلیل کاهش هزینه های تولیدیک یا چند تولیدکننده) و بعضاً کاهش کارایی شود، نه تنها از هدف خود دور شده است بلکه برعکس منافی با منافع اجتماعی است. به عبارت دیگر سیاست های سلیقه ای و تبعیضی در این حوزه خسارت جبران ناپذیر اجتماعی را در پی خواهد داشت. به عنوان مثال بسیاری از اقتصاددانان معتقدند که معافیت مالیاتی در بخش کشاورزی (مطابق قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب سال ۱۳۸۷) یکی از دلایل اساسی پایین بودن بهره وری در این بخش است و یا به عنوان مثال دیگر معافیت مالیاتی وزارت تخرانه ها و مؤسسات دولتی و همچنین دستگاه هایی که بودجه آن ها به وسیله دولت تامین می شود (بر اساس قانون مالیات های مستقیم) باعث افزایش قدرت رقابت این دستگاه ها و موسسات می شود. بر این اساس بسیاری از اقتصاددانان پرداخت نقدی را مکانیسم بهتری برای حمایت از کارگران اقتصادی می دانند که علاوه بر بهبود کارایی زمینه هادر عرصه رقابت نیز اخلاص ایجاد نمی کند. سخن آخر آن که، دقت در قانون گذاری، نحوه اجرای آن و نحوه نظارت بر اجرای قانون تعیین کننده آن است که معافیت مالیاتی از منظر اجتماعی خوب است یا بد!

نظام مالیاتی در چند کشور جهان

داود حاجیان پیروز مالیات سابقه ای طولانی و شاید به قدمت دولت ها دارد. مقدار و نوع این مالیات ها با توجه به شرایط و احساس نیاز حاکم بر جامعه تعیین می شدند. مالیات انواع و شکل های متفاوتی دارد که در کشورهای مختلف و بر اساس نیازهای آن کشور و در جهت توسعه یافتگی وضع می شود. در این مقاله سعی شده است انواع مالیات و همچنین نرخ های مالیاتی در کشورهای منتخب شامل آمریکا، انگلستان، سنگاپور مورد بررسی قرار گیرد.

ایالات متحده آمریکا

ایالات متحده جمهوری فدرال با حکومت خودگردان و دولت های محلی است. وضع مالیات ها در ایالات متحده در هر یک از این سطوح صورت می گیرد. مالیات های متعددی در آمریکا وضع شده است که مهم ترین آن ها شامل مالیات بر درآمد، دارایی، فروش، واردات، درآمدها، و املاک هدایا، و نیز حق الزحمه های مختلف است. انواع مختلف مالیات وضع شده در هر سطح به دلیل محدودیت های قانون اساسی متفاوت است. مالیات بر درآمد و تعرفه های گمرکی در سطح فدرال و ایالتی و مالیات هایی مانند مالیات بر دارایی، مالیات بر فروش، مالیات بر مصرف عمده تا در سطح ایالتی و محلی وضع می شود. در زیر به بررسی چند مالیات مهم در آمریکا می پردازیم.

مالیات بر درآمد

مالیات بر درآمد خالص افراد و شرکت ها توسط دولت فدرال، ایالتی و برخی دولت های محلی وضع می شود. موضوع درآمدی که مالیات بر آن وضع می شود توسط قانون مالیاتی، نه اصول حسابداری، مشخص شده است و تقریباً تمام درآمدها از هر منبعی را شامل می شود. کانال های اصلی پرداخت مالیات بر درآمد شامل موارد زیر است:

- * کارمندان، مالیات ماهانه از درآمد آنها کسر می شود.
 - * افراد دارای شغل آزاد، پرداخت ۳ ماهه مالیات تخمینی
 - * افراد بیکار که دارای درآمد کافی برای پرداخت مالیات ۳ ماهه هستند
 - * مالیات حداقلی جایگزین، برای افرادی که مبادرت به کاهش سهم مالیاتی خود می کنند که بر مبنای قابل تخمین قابل پرداخت است.
- نرخ مالیات بر درآمد فدرال در آمریکا از ۱۵ درصد تا ۳۵ درصد است که البته این نرخ در ایالت های مختلف و بر اساس قوانین آن ها می تواند متفاوت باشد.

مالیات بر حقوق و دستمزد

این مالیات در سطح فدرال و ایالتی وضع می شود و شامل امنیت اجتماعی، مالیات بیکاری و مالیات مراقبت های پزشکی است که بر هر دوی کارگر و کارفرما با نرخ ترکیبی ۱۵/۳ درصد (۱۳/۳ برای سال ۲۰۱۱) وضع می شود. مالیات امنیت اجتماعی در صورتی که میزان دستمزد به ۱۰۶۸۰۰ دلار از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۱ برسد، بر افراد وضع می شود. این مالیات به عنوان در صدی از حقوق مشمول مالیات وضع می شود. برای سال ۲۰۰۹ حدوداً اکثر مالیات معمولی به ازای هر کارگر زیر ۱۰۰۰ دلار تعیین شده است.

مالیات بر دارایی

مالیات بر دارایی بر اساس ارزش بازاری دارایی افراد توسط دولت فدرال و ایالتی وضع می شود. این نوع مالیات بر دارایی های تجاری و املاک افراد وضع می شود. نرخ مالیات بر دارایی بسیار گسترده و متفاوت است.

مالیات بر فروش و مصرف

این مالیات بر قیمت خرده فروشی بسیاری از کالاها و خدمات ارائه شده توسط دولت های ایالتی و افراد وضع می شود. نرخ مالیات بر فروش بین ۱ درصد تا ۱۶ درصد متغیر است، که این میزان تغییر بر اساس کالاها و خدمات مختلف ارائه شده است.

مالیات بر درآمد و تعرفه گمرکی

این مالیات بر بسیاری از کالاهای وارداتی به کشور آمریکا وضع می شود. این مالیات قبل از این که کالا به طور قانونی وارد شود باید پرداخت شود. نرخ این مالیات از ۰ درصد تا ۲۰ درصد و بر اساس نوع کالای وارداتی متفاوت است.

مالیات بر کسب سرمایه

سرمایه ای که از فروش دارایی به دست می آید مشمول مالیات می شود. اصطلاح کسب خالص سرمایه به معنای منفعت سرمایه ای به دست آمده در یک دوره بلندمدت یک ساله است که میزان ضرر سرمایه ای کسر می شود.

بیشترین نرخ مالیات ۱۵ درصد است

از جمله مالیات های دیگر در آمریکا می توان به مالیات به سود سهام، مالیات بر ارث، مالیات بر میزان تاثیر بر محیط زیست، مالیات به مواد نفتی، مالیات بر کالاهای لوکس، مالیات بر سرمایه گذاری، و غیره اشاره کرد. تعداد مالیات ها در آمریکا حدود ۵۰ نوع مالیات مختلف در بخش های اصلی این کشور است.

انگلستان

اخذ مالیات در انگلستان در دو سطح مختلف صورت می گیرد: حکومت مرکزی و حکومت محلی. درآمد دولت مرکزی به طور مستقیم از مالیات بر درآمد، مالیات بر بیمه خدمات ملی، مالیات بر ارزش افزوده، مالیات بر شرکت ها و سوخت حاصل می شود. درآمد دولت های محلی در درجه اول از عواید دولت مرکزی، نرخ تجارت در انگلستان و ولز، مالیات بر شوراها و درآمد حاصل از دریافت هزینه ای مانند پارکینگ بدست می آید. در سال مالی ۲۰۰۷-۲۰۰۸ کل درآمد دولت ۳۹/۲ درصد از GDP بوده است، در حالی که در همین سال مالیات خالص و سهم بیمه ملی ۳۶/۹ از GDP بوده است - مبلغ تقریبی ۶۰۰ میلیون پوند - سال مالیاتی در انگلستان از ۶ آوریل یکسال تا ۵ آوریل (۱۷ فور دین تا ۱۶ فور دین) سال بعد است.

مهم ترین مالیات ها در انگلستان به شرح زیر است:

مالیات بر درآمد

این مالیات منبع اصلی درآمد مالیاتی دولت در انگلستان است. درآمد افراد از مقدار مشخصی به بعد شامل مالیات می شود و درآمدی تا این حد از پرداخت مالیات معاف می شود. در سال ۲۰۱۰-۲۰۱۱ این میزان درآمد سالانه ۶۴۷۵ پوند برای افراد زیر ۶۵ سال بوده است. در سال ۲۰۱۰ نخست وزیر انگلستان این میزان را به ۷۴۷۵ پوند افزایش داد. اما، الگوی مالیات بر درآمد در این سال ها تغییر کرده است.

مالیات بر کسب سرمایه

این مالیات نوعی مالیات بر درآمد است. این مالیات با فروش و معاوضه دارایی های سرمایه ای مانند سهام با اوراق قرضه، وضع می شود. این منافع سرمایه ای همچنین می تواند از طریق تجارت اموال حقیقی برای مثال، دارایی نیز کسب شود. به طور کلی مالیات بر کسب سرمایه بر قیمت فروش اموال وضع می شود. اما بعضی هزینه ها نیز برای محاسبه سود خالص، پذیرفتنی و در محاسبات به شمار می آیند. به این مورد در درآمد شاخص سازی شده می گویند.

نرخ این مالیات بین ۱۸ تا ۲۸ درصد متغیر است. برای افراد، ۸۸۰۰ پوند ابتدایی سود خالص مشمول مالیات نمی شود. مالیات بعد از ۸۸۰۰ پوند وضع می شود، برای مثال، به ازای ۲۱۵۰ پوند بعدی ۱۰ درصد مالیات باید وضع شود، ۲۰ درصد برای ۳۱۵۰ پوند بعدی و همین ترتیب ادامه پیدا می کند. مالیات بر کسب سرمایه برای شرکت ها بر اساس سود خالص، بعد از کسر هزینه ها از منافع محاسبه می شود.

مالیات بر شرکت ها

افرادی که مقیم انگلستان هستند و در این کشور سکونت دارند باید بر اساس سودشان، این مالیات را پرداخت کنند. برای شرکت هایی که در انگلستان قرار دارند یا مدیریت آن ها در انگلستان است، با آن ها به عنوان شهروند انگلیسی بر خور می شود و این مالیات را نیز باید پرداخت کنند. اما در انگلستان برای شرکت های کوچک و متوسط معافیت های مالیاتی در نظر گرفته می شود. این مالیات چهارمین منبع اصلی درآمدی دولت است.

نرخ مالیات بر شرکت ها بر سود خالص شرکت ها وضع می شود. اگر میزان سود بیشتر از ۰/۰۰۰/۱۵۰۰ پوند باشد نرخ مالیات ۳۰ درصد است و در صورتی که کمتر از این حد و تا سقف ۰/۰۰۰/۳۰۰ پوند باشد ۱۹ درصد است.

مالیات بر ارزش افزوده

مالیات بر ارزش افزوده بر تجارت، خدمات و تولیدات مالیات پذیر در داخل کشور وضع می شود. این مالیات سومین منبع درآمد دولت در انگلستان است. این مالیات همچنین بر صادرات و واردات کالاهای کشور های خارج از حوزه اتحادیه اروپا نیز وضع می شود. تاجران با سود خالص کمتر از ۰/۰۰۰/۶۶ پوند در حیطه این مالیات قرار نمی گیرند. نرخ استاندارد مالیات بر ارزش افزوده ۱۷/۵ درصد است. به علاوه، برخی کالاها و خدمات شامل این مالیات نمی شوند و برخی دیگر از کالاها مانند سوخت و نیروی داخلی، وسایل صرفه جویی انرژی، دارایی برخی معادل ۵ درصد می باشند.

مالیات غیر مستقیم

این مالیات بر کالاهایی مانند الکل، تنباکو، سوخت موتور ها و... وضع می شود.

مالیات بر ارث

اگر فردی که ساکن انگلستان است فوت کند، این مالیات بر دارایی های وی جاری می شود. نرخ این مالیات به طور نسبی بین ۲۰ تا ۴۰ درصد متغیر است ولی برای ۰/۰۰/۲۸۵ پوند اول، مالیاتی وضع نمی شود.

سنگاپور

مالیات بر درآمد افراد، مالیات شرکت ها، مالیات بر خدمات و کالاها، و مالیات بر دارایی، برخی از مهم ترین دارایی ها در سنگاپور هستند. یکی از مهم ترین اهداف وضع این مالیات ها تامین مالی خدمات دولتی در سنگاپور است.

مالیات بر درآمد

این مالیات بر درآمد شخصی افراد وضع می شود و میزان مالیات پرداختی به وضعیت اقامت افراد در این کشور بستگی دارد. همزمان با ارزیابی میزان مالیات پرداختی توسط افراد، دولت دو عمل مهم دیگر را نیز در نظر می گیرد:

* وضعیت میزان مالیات افراد ساکن و غیر ساکن

* تعیین میزان درآمد افراد

افراد ساکن در سنگاپور

اگر فردی بیشتر از ۱۸۳ روز در سنگاپور اقامت داشته باشد به عنوان شهروند این کشور شناخته می شود، بنابراین دولت بر درآمد این افراد و نیز افراد خارجی که در داخل کشور درآمدی کسب می کنند، مالیات وضع می کند. نرخ این مالیات برای یکسال مالی که از ۱ ژانویه تا ۳۱ دسامبر طول می کشد، بین ۰ تا ۲۰ درصد متغیر است و بصورت پلکانی از درآمد محاسبه می شود.

مالیاتی که هر ماه از حقوق افراد کسر می شود

افراد غیر ساکن بر اساس میزان درآمدی که در سنگاپور به دست می آورند مالیات درآمدی پرداخت می کنند. بر اساس قانون مالیات ماهانه، افراد باید بخشی از درآمد حاصله خود را پرداخت کنند. این مالیات باید پانزدهم هر ماه به ممیز مالیاتی تحویل داده شود. بعضی از موارد شامل این مالیات، سود و منافع حاصل از مبادله دارایی است.

مالیات بر شرکت ها

این مالیات بر سود شرکت های سنگاپوری وضع می شود. در بسیاری از مواقع، مالیات بر شرکت ها بر درآمد خالص آن ها وضع می شود. درآمد خالص از کسر کردن هزینه های انجام شده از سود بدست آمده شرکت در سال محاسبه می شود. یک شرکت زمانی مالیات باید پرداخت کند که از داخل سنگاپور درآمد کسب کند و یا زمانی که شرکتی از خارج درآمد کسب می کند و لی در داخل سنگاپور دریافت می کند. نرخ این مالیات از ۱۷ تا ۲۵/۵ درصد متغیر است.

مالیات بر دارایی

این مالیات بر دارایی های غیر منقول مانند زمین و ساختمان وضع می شود. میزان مالیات پرداختی بر اساس ارزش سالانه دارایی محاسبه می شود. تمام مالکان دارایی ها در سنگاپور موضوع این مالیات هستند. نرخ این مالیات بر اساس دارایی های مختلف، متغیر است و بین صفر تا ۶ درصد قرار دارد.

مالیات کالا و خدمات

مالیات کالا و خدمات، مالیات غیر مستقیم است و بر قیمت کالا و خدمات در سنگاپور وضع می شود. این مالیات در سال ۱۹۹۴ و با نرخ ۳ درصد وضع شد. در سال ۲۰۰۷ نرخ این مالیات به ۷ درصد رسید. این مالیات بر تمامی کالاها و خدماتی که در سنگاپور عرضه می شود، وضع می گردد. سایر مالیات ها در سنگاپور شامل، حق تمیر، مالیات بر تراست، مالیات بر کلوپ ها و... است.



در کشورهای
آمریکا و
انگلستان
سرمایه ای
که از فروش
دارایی به
دست می آید
مشمول
مالیات
می شود



پانزدهمین هم اندیشی دفتربزهوش روزنامه خراسان با موضوع «آسیب شناسی نظام مالیاتی»

اصول فدای وصول!

مالیاتی کشور ما «عملکردی» عمل نمی کند بلکه «بودجه ای» عمل می کند؛ یعنی می گوید اگر بودجه امسال ۲۰ درصد افزایش یافته مودی باید ۲۰ درصد اضافه پرداخت مالیات داشته باشد فارغ از اینکه آیا سود داشته است یا نه. هم اکنون بانک جهانی رشد اقتصادی ایران را منفی اعلام کرده است. هنگامی که رشد اقتصادی منفی است کارخانه ها چگونه باید بیشتر مالیات بدهند؟ چون تمام تولید ملی از مجموع تولید و خدمات همین اقتصاد است. اما دستگاه مالیاتی قادر به قبول این قضیه نیست. مالیات تنها یکی از ابزارهایی است که بر تولید اثر می گذارد. نرخ ارز بیش از مالیات اثر می گذارد. مصرف کنندگان این برداشت را دارند که تغییر نرخ ارز هم در واقع نوعی مالیات است اما از نوع غیر مستقیم که می پردازیم. چون ارز در مالکیت دولت است و دولت می خواهد با تغییر نرخ ارز کسری بودجه اش را جبران کند و به مصرف کننده تحمیل اجباری کند.

طالبی: یک سری عوامل را بانک جهانی تعریف می کند که تاثیر گذار بر مثبت و یا منفی بودن سرمایه گذاری هستند. بانک جهانی ۱۰ فاکتور را نام می برد که از آن ۱۰ فاکتور آخرین آنها مالیات است. بیش از ۵۰ درصد فعالیت های اقتصادی معاف از مالیات هستند و اقتصاد بزرگ مینی بسیار وسیعی داریم. این مطلب صحیح است که در سیستم مالیاتی سازمان امور مالیاتی زبان را کمتر می پذیرد ولی اینکه یک شرکت تولیدی زبان می دهد به ساختار سنتی صنعت کشور ما بر می گردد. در برخی نقاط دیگر دنیا، دستگاه های وصول مالیات برای اخذ مالیات نسبت به فعالیت های گوناگون نرخ هایشان را کم و زیاد می کنند ولی ما در ایران از یکسری از معافیت های مالیاتی استفاده می کنیم. دولت برای حمایت از برخی تولیدات امتیازات و یا ترخیصاتی را در برنامه بودجه اعلام می کند. در مجموع اگر سایر عوامل را هم در کنار مالیات بگذاریم شاید مالیات تاثیر کمی داشته باشد.

به نظر می رسد سازمان امور مالیاتی در امر اطلاع رسانی بخشنامه ها و آئین نامه هایی که اطلاع از آن ها جزو حقوق اولیه مؤدیان مالیاتی است ضعیف عمل کرده است. تاچه حد با این نظر موافقت می کنید؟

طالبی: شاید به نوعی اینگونه باشد ولی این به ساختار کلی جامعه ما بر می گردد. برای تولید کنندگان با بازار گانان چندان تعریف شده نیست که یک مشاور مالی یا مالیاتی برای خودشان داشته باشند. و تلقی از گرفتن مشاوره، به هدر رفتن پول است. شاید بخشی از این اطلاع رسانی وظیفه سازمان امور مالیاتی باشد ولی در مقابل باید یک انجمن از تولید کنندگان و بازار گانان وجود داشته باشد که تعامل دوطرفه با سازمان امور مالیاتی داشته باشد. سازمان امور مالیاتی یک سری اطلاعات برای اطلاع رسانی دارد که شاید دسترسی به آنها چندان سهل الوصول نباشد. باید یک همکاری دوطرفه بین اتحادیه ها و انجمن های حرفه ای وجود داشته باشد. و وظیفه سازمان امور مالیاتی انتشار بخشنامه ها و دستور العمل ها

می شود. غیر از این ۲۰ درصد، عده دیگری هستند که مالیات گریزند و دستگاه مالیاتی با ابزارهای سنتی قادر به گرفتن مالیات از آن عده نیست. در همه دنیا نبرد اخذ مالیات در حد جرم جنایی تلقی می شود. اما در ایران احتمالاً یک افتخار ملی تلقی می گردد. با این روش علاوه بر اینکه مالیات به حق اخذ نمی شود، فشار مضاعفی نیز به بخشی که مالیات می دهند وارد می آید. وقتی یک فرد وابسته به سازمان امور مالیاتی خودش قانون را قبول ندارد این ذهنیت را در مؤدی (مالیات دهنده) ایجاد می کند که پس این فرد که خود قانون را قبول ندارد چگونه می تواند حقوق مؤدی را رعایت کند. این امر به این علت است که نظام پاسخگویی مقامات دولتی در ایران به شکل مطلوب وجود ندارد. نظام پاسخگویی به این معنا که اگر فردی در هر سطحی از مقامات دولتی اظهار نظر بکند بتواند او را مورد پیگرد قانونی قرار داد. در کشورهایی که مالیات مجموع درآمد را اجرامی کنند، مجموع هزینه را هم قبول می کنند اما در ایران مجموع هزینه پذیرفته نمی شود.

نوروزی: مؤدی به عنوان پرداخت کننده مالیات پایه های نظام اقتصادی یک مملکت را شکل می دهد. در ایران برای تعریف حقوق مؤدی یک منشور حقوقی جدی وجود ندارد. همچنین پیچیدگی قوانین و دستور العمل های مالیاتی که به صورت خیلی پراکنده است، موجب اختلاف بین مودیان و ممیزین می شود. در نحوه اجرایی شدن مالیات بر ارزش افزوده چون حلقه های مالیاتی هنوز کامل نشده بیشترین تاثیر منفی را بخش تولید می پذیرد. سیستم حسابداری با قانون مالیات ها تناقض هایی دارد، که این ها نهایتاً یک پیچیدگی را در حقوق مالیاتی ایجاد می کند

تولید از نقطه نظر مالیات با یکسری مشکلاتی روبرو است، این مشکلات کدامند و اگر بخواهیم راهکاری برای حل آن ارائه دهیم چه راهکاری پیشنهاد می کنید؟

میرزایی: تولید باید مالیات بدهد. اگر به زبان ساده اقتصاد را به سه بخش تولید و خدمات و کشاورزی تقسیم کنیم، در قانون مالیات ایران چون بخش کشاورزی معاف از مالیات است یک سوم اقتصاد ایران مالیات نمی دهد. و تمام درآمد های مالیاتی از بخش تولید و خدمات تامین می گردد. از آنجا که سیستم مالیاتی عادت کرده که به سراغ همان هایی برود که بیشتر به چشم می آید و چون تولید بیشتر به چشم می آید پس تولید بیشترین اثر را از سیستم مالیاتی می پذیرد. اما با وجود اینکه بخش خدمات که حدود ۴۰ تا ۴۰ درصد اقتصاد را شکل می دهد، جلوی چشم مامور مالیاتی نیست، در نتیجه فرار مالیاتی در بخش خدمات زیاد است. سیستم مالیاتی نباید به گونه ای باشد که تولید کننده تحت فشار باشد. هر سال بدون در نظر گرفتن این مطلب که ممکن است امسال تولید سود چندانی نکرده باشد بلکه ضرر کرده باشد بر مالیات تولید اضافه می شود. **دوانی:** مالیات چون از سود گرفته می شود جزو قیمت تمام شده کالا نیست؛ اما سیاست های مالیاتی معمولاً به تولید جهت می دهد. دستگاه

زحمت کش، افشار | تقریباً تمام صاحب نظران

و حتی خود سازمان امور مالیاتی کشور به این مطلب اذعان دارند که سیستم کنونی اخذ مالیات در کشور، یک سیستم صحیح و عادلانه نیست، که در آن، نه دولت به عنوان قوه مجریه، به حق خود می رسد و نه مردم به عنوان مودیان مالیاتی از آسیب های این سیستم غلط در امان هستند. دفتربزهوش روزنامه خراسان در پانزدهمین هم اندیشی خود به بررسی وضعیت نظام مالیاتی کشور پرداخته است. در این هم اندیشی که در دفتر تهران روزنامه خراسان برگزار شد مهمانان زیر حضور داشتند:

- ۱- علیرضا فلاح میرزایی (دادستان سابق سازمان امور مالیاتی)
- ۲- دکتر عباس هشی (استاد دانشگاه شهید بهشتی)
- ۳- غلامعلی طالبی (معاون دفتر تشخیص و حسابرسی مالیاتی سازمان امور مالیاتی)
- ۴- غلامحسین دوانی (عضو جامعه حسابداران رسمی ایران)
- ۵- حسین نوروزی (عضو جامعه حسابداران رسمی ایران و مدیر تیم تولید نخستین دانشنامه الکترونیکی کاربردی و هوشمند مالیاتی ایران)

به صورت مختصر اشکالات عمده ای که امروزه بر سیستم مالیاتی کشور وارد است را در چه می بینید؟

میرزایی: قانون مالیات ها جزو سیاست گذاری های دولت است که مملو از اشکال است. و از طرفی قانون نیز به همان شکل که هست اجرایی می شود و پرونده های مالیاتی در جاهای گوناگون ایران به شکل های متفاوت اجرا می شود. مشکل دیگر سیستم مالیاتی نحوه تشخیص است. بیش از ۷۰ درصد پرونده های مالیاتی علی الراس است یعنی بر مبنای دفاتر نیست. این باعث می شود که یک بدبینی نسبت به کادر حسابداری که دفاتر مودی را تنظیم کرده اند هم شکل بگیرد در حالی که کار ممیز ایراد داشته است.

دوانی: در کشور ما یک نظام مالیاتی جامع وجود ندارد. در ایران از مودیان شناخته شده مالیات اخذ می شود. این مودیان از دو طرف ضربه می خورند. اول اینکه ۳۰ درصد اقتصاد کشور معاف از پرداخت مالیات هستند، اعم از برخی نهادهای انقلاب اسلامی و نهادهایی که باید مالیات بدهند ولی نمی دهند. این یعنی بار مالیاتی ۳۰ درصد معاف از مالیات، به ۷۰ درصد که مالیات می پردازند تقسیم



غلامحسین دوانی

نرخ مالیات برای یک بنگاه تولیدی بسیار بزرگ با یک بنگاه کوچک برابر است. در حالی که دولت باید از بنگاه های کوچک خیلی بیشتر حمایت کند

مالیات ندارند. سازمان امور مالیاتی به دو دلیل نمی تواند مالیات به حق را از کسبه بگیرد. اول اینکه متشکلند و در مقابل سازمان امور مالیاتی تجمع و اعتراض می کنند و دوم اینکه قدرت انتقال دارند یعنی می توانند مالیات خود را از طریق افزایش قیمت کالای خود، به مصرف کننده منتقل کند. بنابراین نمی توان به کسبه فشار آورد. سیستم مالیاتی نیز عادلانه نیست یعنی از دو فرد در شرایط مساوی، به دو شکل متفاوت مالیات اخذ می شود و این موجب دلسردی مودیان می شود.

هششی: مالیات در صد کمی از بودجه را به خود اختصاص داده است. مالیات و جوه بیت المال است و نباید متخلفین مالیاتی بخشیده شوند بلکه باید جریمه سنگینی بپردازند. مادر اینجا اشکال قانونی داریم که به دلایل مختلفی این جریمه بخشیده می شوند. همچنین متاسفانه برخی بازنشستگان سازمان امور مالیاتی هنگامی که بازنشسته می شوند، راه و رسم مسیری را آموزش می دهند که کسی مالیات ندهد.

از منظر اطلاع رسانی، مطلع بودن مودی از قوانین مالیاتی بخصوص بخش معافیت ها که جذاب ترین بخش قوانین مالیاتی است، چه میزان در پرداخت مالیات مودی یا فرار مالیاتی او تاثیر گذار است؟

نوروزی: من جنبه فرار مالیاتی این موضوع را نسبت به این بحث که هر پرداخت کننده ای حق دارد بداند که چرا دارد مالیات پرداخت می کند و یا چه عواملی باعث جریمه شدن او می شود، کم رنگ تر می بینم. گاهی اوقات خود و مشاورین مردم بخاطر ضعف در اطلاع رسانی سازمان امور مالیاتی، نمی توانند یک دفاع درستی از مودی داشته باشند. علاوه بر این بنگاه ها و شرکت های اقتصادی در کنار خود مشاور اقتصادی ندارند و در نتیجه گاهی اوقات از موارد بسیار پیش پا افتاده و جزئی آسیب های بزرگی می بینند. دانشگاه ها و انجمن ها نیز بعضاً وظیفه خود را درست انجام نمی دهند. مثلاً انجمن باگوشزد کردن یک نکته کوچک مالیاتی به بنگاه زیر مجموعه خود می تواند آن بنگاه را از متحمل شدن هزینه های بیشتر منع کند.

یکی از مهمترین دلایل فرار مالیاتی نبودن عدالت مالیاتی در سیستم مالیات ذکر شده است. در کشور تا چه اندازه عدالت مالیاتی وجود دارد و اشکالات عمده ای که در ساختار اقتصادی جامعه وجود دارد که این عدالت محقق نشود چیست؟

طالبی: نبودن یک سیستم جامع اقتصادی در کشور موجب بی عدالتی و برخورد های چند گانه با مودیان می شود. در ایران چهار نهاد اقتصادی مهم به همدیگر تبادل اطلاعات مالی نمی کنند و باهم مرتبط نیستند. به همین علت ممیز مالیاتی هیچ اطلاعاتی از مودیان در اختیارش نیست. گمرک، سیستم بانکی و شرکت های بازرسی، اطلاعات افراد را در اختیار سازمان امور مالیاتی قرار

مورد بررسی قرار بگیرد و سپس انتشار یابد. بنابراین اشکال عمده در این جا به این بر می گردد که اولاً روی لایحه کار کارشناسی نمی شود و ثانياً نگارش قانون دچار مشکل است که چندین تفسیر از آن برداشت می شود؛ و ثالثاً سازمان امور مالیاتی خودش آن را تفسیر می کند. اما از آنجا که فرایند شکایت یک فرایند هزینه بر است افراد عادی به دنبال شکایت خود نمی روند بلکه تنها بنگاه های بزرگ اقتصادی به دنبال شکایت می روند. به همین علت یک قانون اشتباه ممکن است بعد از چندین سال توسط دیوان عدالت اداری باطل شود. بعد از ابطال نیز حق و حقوق کسانی که متضرر شده اند نادیده گرفته می شود. فرایند قانونگذاری در کشور سیاسی است و چون نمایندگان مجلس بخشی نگاه می کنند و نه ملی، تصویب قانون هم به صورت صحیح صورت نمی گیرد. مثلاً نرخ مالیات برای یک بنگاه تولیدی بسیار بزرگ با یک بنگاه کوچک برابر است. این در حالی است که موتور اقتصاد هم همان بنگاه های کوچک هستند.

آیا در پیش نویس اصلاح قانون مالیات های مستقیم مشارکتی از جانب نهادها و انجمن های کارفرمایی وجود نداشته است؟

طالبی: یک تفکر سنتی در جامعه مالیاتی هست که تمام کار باید در سازمان امور مالیاتی ساخته و پرداخته شود. و اگر برخی در سازمان امور مالیاتی فکر کنند که بهتر است اصلاح قانون با مشارکت سایر بخش ها صورت بگیرد، این فکر به مرحله اجرا در نمی آید. از طرفی اگر سازمان امور مالیاتی بخواهد با یک مجموعه تبادل نظر بکند، معمولاً آن مجموعه ابتدا به فکر منافع خودش است که در این اصلاحیه بر آورده شود.

دوانی: نهادهای کارفرمایی می گویند که چون سازمان امور مالیاتی حرف مارا گوش نمی کند پس چه فایده ای دارد که ما پیشنهادات خودمان را برای اصلاحیه قانون بدهیم. این در حالی است که این نهادها باید پیشنهادات کارشناسانه خود را بدهند تا در آینده بتوانند نقد و اظهار نظر بکنند. طبق نظر برخی کارشناسان، بخش عمده ای از فشارهای مالیاتی بر مودیان، ناشی از فرار مالیاتی وسیعی است که در سطح کشور وجود دارد. دلایل عمده فرار مالیاتی چیست و فرهنگ سازی در این زمینه چه میزان می تواند موثر باشد؟

دوانی: در هیچ جای دنیا مردم به خودی خود مالیات نمی دهند بلکه دولت ها را احکامی را اتخاذ کرده اند که اگر فردی مبلغی را که باید، نپردازد، هزینه جریمه اش بسیار زیاد باشد. یعنی دولت هر پرداخت مالیات را از این طریق تبدیل به فرهنگ کرده اند. برای اینکه مالیات فرهنگ شود باید یک اعتماد متقابل بین سازمان امور مالیاتی و مردم بوجود بیاید اما تا حالا این اعتماد در کشور ما نبوده است. مؤدی فکر می کند سازمان امور مالیاتی دروغ می گوید و سازمان امور مالیاتی هم اصل را بر این گذاشته که مؤدی دروغ می گوید.

دوم اینکه در قانونگذاری این اشکال وجود دارد که اصلاً عده ای معاف از دادن مالیات باشند. این سبب می شود که بین دور قیب که یکی مالیات نمی دهد، آنکه معاف است به اندازه نرخ مالیات قدرت چانه زنی پیدا می کند. در همه جای دنیا، دولت از دستگاه هایی که می خواهد به آنها کمک کند مالیات می گیرد دلی بعداً اگر نیاز به کمک داشتند به آنها بر می گرداند. دولت به جای معافیت مالیاتی باید در بودجه جمعی خرجی عمل کند. همچنین طبق قانون، وزیر دارایی می تواند بر علیه فراریان مالیاتی اعلام جرم کند اما از ابتدایی که این قانون نوشته شده تا حالا، علیه هیچ فردی این اتفاق نیفتاده است. در برخی کشورهای دنیا کسی که سوء استفاده مالی می کند ابتدا باید مالیات خود را بپردازد اما در ایران این اتفاق نمی افتد. پس اولاد دستگاه وصول مالیات ضعیف عمل می کند. ثانياً با فراریان مالیاتی با قدرت برخورد نمی کند.

میرزایی: در فضای قبل از انقلاب عدم پرداخت مالیات تبلیغ می شد و این طرز تفکر همچنان در میان مردم باقی مانده است و مردم اعتقاد به پرداخت

است. گفته شده که بیش از ۵۰۰۰ مورد بخشنامه یا مقررات مالیاتی داریم که مربوط به قوانین مالیاتی می شود.

آیا الان این ۵۰۰۰ مورد به وسیله سایت سازمان امور مالیاتی یا سی دی یا کتابچه منتشر می شود که فردی که صاحب یک بنگاه اقتصادی تازه تاسیس است برایش در دسترس باشد؟

هم سازمان امور مالیاتی کتاب و جزوه چاپ می کند و هم بخش خصوصی این اطلاع رسانی را انجام می دهد. جامعه حسابداران و حسابرسان رسمی همه ساله جزوه و کتاب بیرون می دهند و همه این اطلاع رسانی ها وجود دارد.

دوانی: سازمان امور مالیاتی به عنوان بخشی از قوه مجریه و وظیفه اش اطلاع رسانی است و مردم هم وظیفه شان اطلاع داشتن است. در ایران نگاه دولت ها و همچنین سازمان امور مالیاتی این بوده است که هر چقدر مردم اطلاعات کمتر داشته باشند بهتر است. تا چند سال پیش سازمان امور مالیاتی اصلاً بخشنامه ها را به کسی نمی داد. همین الان هم برخی از بخشنامه ها به دست خود مامورین مالیاتی هم نمی رسد. بحث در این است که سازمان امور مالیاتی یک شبکه اطلاع رسانی منظمی که در سایت وزارت دارایی بروز باشد، ندارد. سازمان امور مالیاتی می گوید که اگر بخشنامه ها و آئین نامه ها را در سایت خود در دسترس بگذاریم مردم در آن دست کاری می کنند. ولی این دلیل مناسبی برای در اختیار قرار ندادن بخشنامه ها نیست. سازمان امور مالیاتی نمی تواند مقرراتی را که می خواهد طبق آن از مودی مالیات بگیرد به او اطلاع ندهد. در برخی سازمان ها اگر بخشنامه را مردم ندانند هزینه ای متحمل نمی شوند ولی سازمان امور مالیاتی اینگونه نیست و مؤدی متحمل هزینه می شود. عده ای از بی اطلاعی مردم از سیستم مالیاتی در جامعه دارند سوء استفاده می کنند و منافع مالیاتی را آن عده می برند. البته همه افراد نمی توانند تمام بخشنامه ها و قوانین را بدانند. بلکه باید مشاورانی در خارج باشند که این کار را انجام دهند. از طرفی سازمان امور مالیاتی به دلیل دید سنتی که بر آن حاکم است خیلی علاقه مند به دانش مودیان در این زمینه نیست چون تصورش این است که اگر مودیان اطلاع داشته باشند، سازمان امور مالیاتی را محکوم می کنند.

نوروزی: بخشنامه ها در واقع حکم قانون را دارند ولی این بخشنامه ها مانند قانون مالیات مستقیم از طریق یک مرجع رسمی به صورت مطلوب اطلاع رسانی نمی شوند که نهایتاً مودیان متضرر می شوند. آئین نامه ها، آراء دیوان عدالت اداری و تصمیم های هیئت دولت در روزنامه رسمی کشور چاپ می شود اما بخشنامه ها از مجرای رسمی اعلام نمی شود در حالی که برای مودیان لازم الاجرا است و حق مودی است که از آن مطلع باشد اما بسیاری از بخشنامه ها و نیز آراء دیوان عدالت اداری در سایت سازمان امور مالیاتی وجود ندارد. متعالمین هیچ سازمانی به اندازه سازمان امور مالیاتی گسترده نیستند.

میرزایی: سازمان امور مالیاتی برخی از بخشنامه هایی که به نفع مودی است را در اختیار مودی قرار نمی دهد و یا آن بخشنامه ها را اذیر ابلاغ می کند. گاهی برخی افراد سازمان امور مالیاتی بعضی از بخشنامه ها را قبول ندارند در حالی که بخشنامه در حکم قانون است و باید آن را قبول داشته باشد. همچنین گزارش ممیز از تشخیص مالیات در اختیار مؤدی قرار نمی گیرد تا مودی بتواند از خود دفاع کند. مؤدی حق دارد که بداند رقم مالیاتی او بر چه مبنایی تعیین شده است. اما این اطلاعات در قالب گزارش در اختیار مودی قرار نمی گیرد. همچنین سازمان امور مالیاتی مشاوران نمی پذیرد چرا که اطلاعات ممیز بیشتر است و قبول نمی کند. در تدوین و اصلاح قوانین مالیاتی و صدور بخشنامه ها تا چه حد کار کارشناسانه صورت می گیرد؟

طالبی: صدور بخشنامه های متعدد بعد از اصلاح قانون مالیات ها در سال ۸۰ نشان می دهد که هیچ کار کارشناسانه ای در تصویب و اصلاح قوانین مالیاتی صورت نمی گیرد. متن قانون نیز چنان مبهم نوشته شده که گاهی خود ممیزین نیز از آن چند برداشت دارند و از طرفی قانون نویسی صحیح صورت نگرفته و حتی گاهی به صورت صحیح ویرایش نمی شود. و از آنجا که ممیز ممکن است خود را در آینده مورد بازخواست ببیند، بنابراین آن قانون را به نفع خودش تفسیر می کند. گاهی در مجلس هیچ بحث و تبادل نظر موافق و مخالف برای تصویب یک موضوع مالیاتی صورت نمی گیرد. **دوانی:** گاهی اوقات سازمان امور مالیاتی از جایگاه قانونی خودش خارج شده و قانونگذاری هم می کند؛ یعنی یک ماده قانونی را تفسیر می کند در حالی که تفسیر قانون در حیطه اختیار سازمان امور مالیاتی نیست. بیش از اینکه خود بخشنامه ها مورد اعتراض کارشناسان باشند، تفسیر قانون به وسیله سازمان امور مالیاتی مورد اعتراض است. به همین جهت دیوان عدالت اداری مرتباً بعضی از بخشنامه های این سازمان را ابطال می کند. همچنین قانونگذار بلافاصله بعد از تصویب نمی تواند متن قانون را منتشر کند بلکه ابتدا متن قانون باید به اداره کل قوانین برود و انشاء آن



**برای تولیدکنندگان
یابازرگانان
چندان
تعریف شده
نیست که یک
مشاور مالی یا
مالیاتی برای
خودشان
داشته
باشند و تلقی
از گرفتن
مشاوره، به
هدر رفتن پول
است!**



غلامرضا طالبی

امیرزایی

نمی دهند و بنابراین شواهد و قراینی جز آنچه مودی ارائه می کند، برای ممیز وجود ندارد که بخواهد از روی آن میزان مالیات را تعیین کند.

دوانی: رئیس گمرک، معاون وزیر دارایی است و نیز وزیر دارایی عضو شورای پول و اعتبار و عضو مجمع بانکها است. این دو نهاد اصلی که باید به وزارتخانه اطلاعات بدهند، اطلاعات نمی دهند در حالی که وزیر دارایی مافوق گمرک و بانکها محسوب می شود.

برای مردمی که می خواهند مالیات را پرداخت کنند، این سوال مطرح است که این مالیات‌هایی که پرداخت می شود در کجا نمود پیدا می کند؟

دوانی: اگر مردم ببینند که در جامعه نمودهای پرداخت مالیات ظاهر شده، مثلا امکانات رفاهی و تفریحی بیشتری ایجاد شده است، برای دادن مالیات دلگرم تر می شوند. اما اگر در جامعه همه چیز گران شود و امکانات هم افزایش پیدا نکند، افراد نسبت به دادن مالیات دلسرد می شوند چرا که افزایش قیمت کالاهای دولتی در واقع نوعی مالیات غیر مستقیم محسوب می شود و این موجب فرار مالیاتی می گردد. دولت‌ها با شعار مردم را تشویق به پرداخت مالیات نمی کنند بلکه با همین وسیله، مردم را از طریق عملکرد خود تشویق به پرداخت مالیات می کنند.

هشی: در ایران مالیات کمترین سهم را در بودجه داشته است. در کشور ما برخی ابزارها در جهت متخلف سازی است؛ بارها مشاهده شده بعد از اینکه فردی جریمه می شود، جریمه او به روشی بخشیده می شود. دلیل این امر این است که از طرفی مردم به عنوان صاحبان پول، دولت را مورد سوال قرار نمی دهند که این پول‌ها در چهره‌های خرج شده است، و از طرفی دولت هم به مردم پاسخگو نیست.

تکلیف افرادی که از یک بخشنامه که توسط دیوان عدالت اداری متضرر شده اند چیست؟

میرزایی: رای دیوان عدالت اداری این است که از تاریخ ابطال به بعد این رای قابل اجراست و فقط اگر مسائل شرعی وجود داشته باشد به قبل از آن تاریخ هم بر می گردد و حقوق کسانی که در قبل متضرر شده اند نادیده گرفته می شوند. سیاست سیستم مالیاتی در عمل به گونه‌ای است که اگر ممیزی برای یک مؤدی مالیات کمتری تعیین کند مواخذه می شود اما اگر بیشتر بنویسد و حق مودی ضایع شود آن ممیز مواخذه نمی شود. این مشکل به سیستم مالیاتی بر می گردد نه به مأمور ممیز مالیات.

دوانی: هنگامی که رای دیوان عدالت اداری به تاریخ قبل از ابطال باز نگردد، دولت با خود استنباط می کند که یک بخشنامه غلط صادر کند و در نهایت اگر ابطال شد، تا لحظه ابطال درآمد مالیاتی داشته است. این نقطه ضعف در سیستم قانونگذاری وجود دارد که اگر یک مأمور جزء خطا کند، در سازمان امور مالیاتی پیگیری می شود اما اگر فرد بلند پایه سازمان چندین

بخشنامه بدهد که عده زیادی متضرر شوند و در نهایت آن بخشنامه نقض شود، فرد مسئول پیگیری و مواخذه نمی شود. علت این امر این است که چون اقتصاد دولتی است و دولت هیچ وقت به ضرر خود عمل نمی کند، رای به نفع طرف مقابل دولت، باعث متضرر شدن دولت می شود. در فرآیند دادرسی مالیاتی، قاضی و متشاکی یکی است.

آیا این اشکال به این علت وجود دارد که در این زمینه خلاء قانونی وجود دارد و یا اینکه سیاست سازمان امور مالیاتی چنین است؟

میرزایی: اگر دادستان مالیاتی با ممیزی که بیشتر از مالیات به حقه خود دریافت کند، بر خور کند، این باعث می شود که جایگاه خود آن دادستان به خطر بیفتد چون دادستان خود منصوب وزیر دارایی است و تابع همان سیستم است و این سیاست وجود دارد که اصول را فدای وصول کنند.

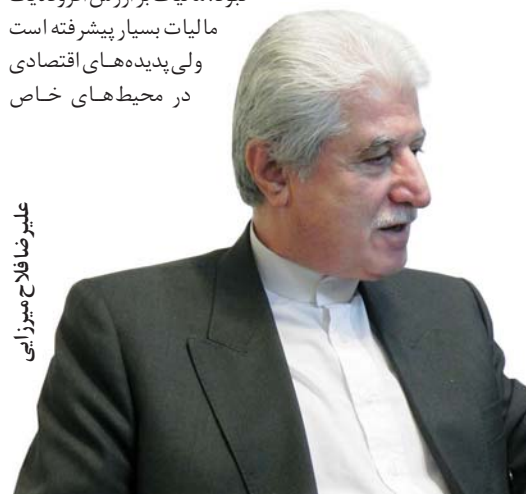
روند اجرای مالیات بر ارزش افزوده که به تعبیر برخی مالیات بر مصرف است، تا چه اندازه در مرحله اجرایی عملی شد و نیز با توجه به این مطلب که با شفاف سازی درآمدها امکان اخذ مالیات‌های دیگری نیز وجود دارد، پیش بینی می شود که در آینده چقدر درست اجرا شود؟

میرزایی: در ابتدا طلا فروشان به مالیات بر ارزش افزوده یک ضربه زدند. بعد از آن نیز شرکت‌ها استقبال نکردند و سازمان امور مالیاتی خود، برای شرکت‌ها از روی پرونده‌ها ثبت نام کرد. اشکالات روند اجرایی شدن قانون مالیات بر ارزش افزوده این بود که اولاد دولت در اجرا خیلی عجله کرد و دوم این که این قانون باید در شرایطی اجرایی می شد که رونق اقتصادی وجود داشت؛ اما درست در شرایطی اجرایی شد که شرایط اقتصادی مطلوب نبود. از طرفی سازمان امور مالیاتی نیروی انسانی کافی برای اجرای این قانون ندارد و به همین علت گاهی در فرآیند رسیدگی اشتباه صورت می گیرد. بسیاری از مأمورین سازمان امور مالیاتی آشنا با این نوع مالیات نیستند. اما قانون مالیات بر ارزش افزوده به این شرط که درست پیاده شود قانون پیشرفته‌ای است

هشی: زمانی که در جهان (VAT Value Added Tax) تعریف شد، این VAT به معنای مالیاتی که به ارزش، اضافه می شود بود که ارزش در اینجا به معنای قیمت است. اما ارزش افزوده در زبان فارسی تعریف اقتصادی خاص خود را دارد و با مالیات اضافه بر ارزش متفاوت است. قوانین مالیات، مالیات بر درآمد می گیرند و صاحبان درآمد این مالیات را خود پرداخت نمی کنند، و در درون قیمت فروش از مصرف کننده می گیرند. یعنی ابتدا حد سود خودش را تعیین می کند و هر هزینه‌ای به او تحمیل شود بر روی قیمت کالا می کشد. یک بنگاه اقتصادی و صاحب سرمایه به عنوان یک هزینه به مالیات بر درآمد نگاه می کند. فلسفه بوجود آمدن مالیات بر ارزش افزوده یا مالیات بر خرج این بود که این گونه اندیشیدند که اولاً مالیات بر ارزش افزوده ادر نهایت مردم می دهند ثانیاً وظیفه دولت اداره کشور، تأمین امنیت، رفاه و آموزش و پرورش و... است که از محل مالیات در آمد کسب می کند. این دولت باید جواب مردمی را بدهد که از طریق نمایندگانشان دولت را انتخاب کرده اند. در رابطه پاسخگویی تا فردی پول ندهد نمی تواند فرد دیگر حساب بخواهد. پس گفته می شود که دولت از مردم مالیات می گیرد و باید جواب مردم را بدهد و با پولی که می گیرد خدمات درستی بدهد. یعنی مالیات از مردم گرفته شود که از دولت طلبکار باشند. ثالثاً نقش مهمی که مالیات بر ارزش افزوده داشت این بود که درآمدها شفاف شود. سازمان امور مالیاتی هیچ مبنای معیاری برای عملکرد خوب و یا بد مالیات بر ارزش افزوده ندارد. نرخ مالیات بر ارزش افزوده تا ۲۰ درصد قابل افزایش است و اگر درست اجرا بشود به شفافیت اقتصادی کمک می کند.

دوانی: تعیین نرخ مالیات بر ارزش افزوده مبتنی بر یک کارشناسانه نبود. مالیات بر ارزش افزوده یک مالیات بسیار پیشرفته است ولی پدیده‌های اقتصادی در محیط‌های خاص

علیرضا افلاح میرزایی



نقش مهمی که مالیات بر ارزش افزوده داشت این بود که درآمدها شفاف شود. سازمان امور مالیاتی هیچ مبنای معیاری برای عملکرد خوب و یا بد مالیات بر ارزش افزوده ندارد

اقتصادی جواب می دهند و الان محیط اقتصادی ایران جو ابگوی این نوع مالیات نیست. سازمان امور مالیاتی تا حالا فقط با بنگاه‌های اقتصادی روبرو بوده؛ اما در مالیات بر ارزش افزوده با تمام مردم روبرو است. اجرایی شدن این قانون نیاز به زیرساخت‌های مخابراتی خاص خود، دانش عمومی و نیز سایر زیرساخت‌ها دارد و این در حالی است که الان این زیرساخت‌ها در کشور فراهم نیست. روند اجرایی شدن این قانون یک روند ناقص بود. معاف شدن حلقه‌های زنجیروار مالیات بر ارزش افزوده باعث بهم ریختن کل مجموعه می شود. جنبه درآمدی مالیات بر ارزش افزوده مهم نیست بلکه جنبه شفاف سازی اش مهم است تا بتوان اقتصاد زیرزمینی کشور را پیدا کرد. اما همین عدم شمول حلقه‌ها باعث متضرر شدن کسانی می شود که مشمول این قانون هستند که به همان اندازه قدرت رقابتی شان کاهش یافته است.

نرخ مالیات بر ارزش افزوده چقدر بر تورم و سطح عمومی قیمت‌ها تاثیر داشته است؟

در این اواخر، مالیات بر ارزش افزوده چندان بر سطح قیمت‌ها موثر نبوده است؛ بلکه تورم این قدر در جامعه بالاست که این در صد ارزش افزوده در آن تورم گم شده و ملموس نیست. از آن جا که نرخ مالیات بر ارزش افزوده ۴ درصد قیمت تمام شده است و نه ۴ درصد قیمت فروش کالا، بنابراین به اندازه ۴ درصد تورم را افزایش نمی دهد.

آیا با اخذ مالیات بر ارزش افزوده، یک نسبت الاکننگی برقرار می شود؟ یعنی اگر مالیات بر ارزش افزوده زیاد شود مالیات بر درآمد کاهش پیدا کند یا برعکس.

اگر قانون مالیات بر ارزش افزوده درست اجرایی شود و شفاف سازی اقتصادی صورت بگیرد، مالیات گریزان مشخص شده و بنا بر این فشار از مودیان شناخته شده سابق کم می شود.

در رابطه با سیستم اخذ مالیات بر ارزش افزوده، تا چه حد این سیستم موفق عمل کرده و آیا اینکه تحقق پنج برابری مالیات بر ارزش افزوده واقعیت دارد و یا اینکه پیش بینی اولیه صحیح نبوده است؟

طالبی: تحقق پنج برابری مالیات بر ارزش افزوده نسبت به پیش بینی‌ها ناشی از عدم وجود کار کارشناسانه در فرآیند اخذ این نوع مالیات است. یعنی سازمان امور مالیاتی از ابتدا نمی دانسته که منابع درآمدی مشمول مالیات بر ارزش افزوده چیست. این عدم اطلاعات سازمان امور مالیاتی امری فراگیر است و مثلاً حتی این سازمان نمی داند که چه میزان از فعالیت‌های اقتصادی مشمول معافیت‌های مالیاتی می شود.

از نقطه نظر مالیات چگونه می توان از تولید حمایت شود؟

هشی: ایجاد معافیت برای حمایت از تولید اصلاً روش صحیحی نیست چرا که معافیت نوعی تبعیض است. تولید کننده به دنبال سود اقتصادی خودش است و انتظار معافیت مالیاتی ندارد چون می تواند با افزایش قیمت کالا یا خدمت تولیدی خود، مالیات را انتقال می دهد. رفتار مالیاتی در کشور متفاوت است یعنی ممیزین مالیاتی و هیئت حل اختلاف بعضاً متفاوت با قانون مالیات عمل می کنند. تولید انتظار ثبات قانون دارد و دنبال معافیت نیست.

دوانی: یک رویکرد مثبت در کشور نسبت به تولید از صد سال پیش تا کنون وجود نداشته و قوانین حامی تولید نبوده اند؛ به همین علت هم از سودآوری مطلوب نسبت به بقیه روش‌های جایگزین سرمایه گذاری برخوردار نبوده است. بخصوص دلالتی بسیار سودآور تر و زود بازده تر از تولید می باشد. مالیات مشکل چندانی برای تولید بوجود نیاورد اما چون نسبت به سایر عوامل که بر تولید اثر منفی گذاشته دارای اثرات مشهودتری بوده بیشتر به چشم می آید. از طرفی همین قانون کنونی هم درست عمل نمی شود.

در چند سال گذشته از نظر گستره مودیان، آیا تعداد مودیان بعد از قانون مالیات بر ارزش افزوده زیاد شده است؟ و آیا اجرای این قانون توانسته بخشی از اقتصاد زیرزمینی را شناسایی کند؟

طالبی: تعداد مودیان اضافه شده زیاد بودند اما میزان مالیات اضافه شده مبلغ چندانی نبود چرا که اکثر مالیات قابل توجهی نمی پرداختند. مثلاً گفته شد تا کسیران‌ها مالیات بر ارزش افزوده بدهند و به تعداد تا کسی دارها اظهارنامه اضافه شد، ولی مالیات چشمگیری پرداخت نمی کنند.

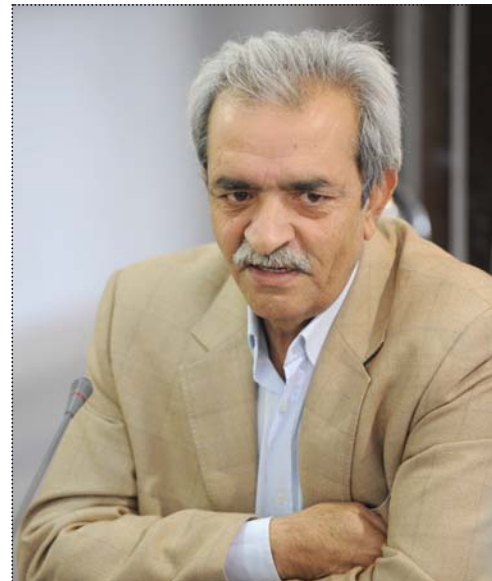
هشی: بیش از ۳۰۰ هزار اظهارنامه داریم که نسبت به سال قبل حداقل ۳۰ درصد افزایش داشته اما این نه به خاطر علاقه مردم به دادن مالیات بوده بلکه بالاجبار برای انجام یک سری امور مانند تمدید کارت عضویت اتحادیه، گرفتن کارت بازرگانی و... نیاز به پر کردن اظهارنامه مالیاتی است. ۷۵ درصد مالیات کشور از اداره کل مودیان مالیاتی است. ما الان بیش از دوهزار مؤدی مالیاتی بزرگ نداریم که ۹۰ درصد مالیات وصولی از مودیان بزرگ نیز موط به شرکت‌های دولتی است.



دکتر عباس هشی

جدول راهبردی هم اندیشی آسیب شناسی نظام مالیاتی

کارشناس	موضوع	نقطه نظر
طالبی	قوانین و مقررات مالیات	عدم شفافیت قوانین و مقررات مالیاتی باعث تفسیر به رای دستگاه مالیاتی از آن می شود.
دوانی	قوانین و مقررات مالیات	نز دیک به یک سال است که اصلاحیه قانون مالیات ها در حال انجام است و پیش نویس شماره ۱ آن هم منتشر شده اما نهادهای کارفرمایی و مشاورین در امر اصلاح و ارائه نظر کارشناسی کوتاهی کردند.
نوروزی	قوانین و مقررات مالیات	سیستم حسابداری با قانون مالیات ها تناقض هایی دارد، که این ها نهایتاً یک پیچیدگی را در حقوق مالیاتی ایجاد می کند.
دوانی	قوانین و مقررات مالیات	گاهی اوقات کار کارشناسی در مرکز پژوهش های مجلس می شود و در اختیار نمایندگان قرار می گیرد ولی نمایندگان بعضاً مطالعه نمی کنند و با جهت گیری شخصی یک موضوع به تصویب می رسد نه ملی.
طالبی	قوانین و مقررات مالیات	صدور بخشنامه های متعدد بعد از اصلاح قانون مالیات ها در سال ۸۰ نشان می دهد که کار کارشناسانه جدی در تصویب و اصلاح قوانین مالیاتی صورت نمی گیرد.
دوانی	قوانین و مقررات مالیات	هنگامی که رای دیوان عدالت اداری به تاریخ قبل از ابطال باز نگردد، این امکان وجود دارد که دولت یک بخشنامه غلط صادر کند و در نهایت اگر ابطال شد، تا لحظه ابطال درآمد مالیاتی داشته است.
دوانی	قوانین و مقررات مالیات	در اصلاحیه فرآیند رسیدگی قضایی نیز هیچ فرقی نکرده و فقط آن قسمتی که در آن مالیات اخذ می شود برخورد شدیدتر شده است.
دوانی	بی عدالتی در اخذ مالیات	از مودیان شناخته شده مالیات اخذ می شود و اینها باید جور شناخته نشده ها را هم بکشند.
دوانی	مشاور امور مالیاتی	همه افراد نمی توانند تمام بخشنامه ها و قوانین را بدانند. بلکه باید مشاورانی باشند که به آنها مشاوره بدهند. در اکثر دنیا هم به همین شکل است.
طالبی	مشاور امور مالیاتی	برای تولید کنندگان یا بازرگانان چندان تعریف شده نیست که یک مشاور مالی یا مالیاتی برای خودشان داشته باشند و تلقی از گرفتن مشاوره، به هدر رفتن پول است!
دوانی	فشار بر تولید	مصرف کنندگان این برداشت را دارند که تغییر نرخ ارز هم در واقع نوعی مالیات است اما از نوع غیر مستقیم. چون ارز در مالکیت دولت است و دولت می خواهد با تغییر نرخ ارز کسری بودجه اش را جبران کند و به مصرف کننده تحمیل اجباری کند.
میرزایی	فشار بر تولید	بخش کشاورزی معاف است، بخش خدمات بیشترین فرار مالیاتی را دارد بنابراین بیشترین فشار به بخش تولید وارد می شود در حالی که باید از او حمایت شود.
دوانی	معافیت ها	معافیت برای برخی نهادهای اقتصادی حکومتی و دولتی یعنی ایجاد فرصت نابرابر رقابت بین آنها و بخش خصوصی.
دوانی	معافیت ها	در قانونگذاری این اشکال وجود دارد که اصلاً عده ای معاف از دادن مالیات باشند. این سبب می شود که بین دور قیب که یکی مالیات نمی دهد، آن که معاف است به اندازه نرخ مالیات قدرت چانه زنی پیدا می کند.
دوانی	معافیت ها	در همه جای دنیا، دولت از دستگاه هایی که می خواهد به آنها کمک کند مالیات می گیرد ولی بعداً اگر نیاز به کمک داشتند به آنها بر می گرداند.
طالبی	اطلاع رسانی	اطلاع رسانی در مورد بخشنامه های مالیاتی و وظیفه سازمان امور مالیاتی است ولی در مقابل باید یک انجمن از تولید کنندگان و بازرگانان وجود داشته باشد که تعامل دوطرفه با سازمان امور مالیاتی داشته باشد.
طالبی	اطلاع رسانی	وظیفه سازمان امور مالیاتی انتشار بخشنامه یا دستور العمل است و این بخشنامه ها در روزنامه ها و ... منتشر می شود.
نوروزی	اطلاع رسانی حقوق مودی	آئین نامه ها، آراء دیوان عدالت اداری و تصمیم های هیئت دولت در روزنامه رسمی کشور چاپ می شود اما بخشنامه ها از مجرای رسمی اعلام نمی شود در حالی که برای مودیان لازم الاجرا است و حق مودی است که از آن مطلع باشد اما بسیاری از بخشنامه ها و نیز آراء دیوان عدالت اداری در سایت سازمان امور مالیاتی وجود ندارد.
دوانی	اطلاع رسانی	در ایران نگاه دولت ها و همچنین سازمان امور مالیاتی این بوده است که هر قدر مردم اطلاعات کمتر داشته باشند بهتر است. تا چند سال پیش سازمان امور مالیاتی اصلاً بخشنامه ها را به کسی نمی داد. همین الان هم برخی از بخشنامه ها بدست خود مامورین مالیاتی هم نمی رسد!
دوانی	اطلاع رسانی	واقعیت این است که در ۵ سال اخیر سایت وزارت دارایی در امر اطلاع رسانی خیلی بهتر از قبل شده اما هنوز نسبت به ادعایی که خودش دارد عقب است و نسبت به خواسته ای که ما داریم خیلی عقب است.
میرزایی	حقوق مودی	گزارش ممیز از تشخیص مالیات در اختیار مؤدی قرار نمی گیرد تا مودی بتواند از خود دفاع کند. مؤدی حق دارد که بداند رقم مالیاتی او بر چه مبنایی تعیین شده است.
میرزایی	حقوق مودی	سازمان امور مالیاتی برخی از بخشنامه هایی که به نفع مودی است را در اختیار مودی قرار نمی دهد و یا آن بخشنامه ها را دیر ابلاغ می کند.
دوانی	حقوق مودی	یک قانون اشتباه ممکن است بعد از چندین سال توسط دیوان عدالت اداری باطل شود. بعد از ابطال نیز حق و حقوق کسانی که متضرر شده اند نادیده گرفته می شود.
هشی	فرار مالیاتی	مالیات و جوه بیت المال است و نباید متخلفین مالیاتی بخشیده شوند بلکه باید جریمه سنگینی بپردازند. اما متأسفانه به دلایل مختلفی این جرایم بخشیده می شوند.
دوانی	فرار مالیاتی	در همه دنیا نپرداختن مالیات در حد جرم جنایی تلقی می شود. اما در ایران احتمالاً یک افتخار ملی تلقی می گردد.
دوانی	فرار مالیاتی	در دنیا دولت ها راهکارهایی را اتخاذ کرده اند که اگر فردی مالیاتی را که باید، نپردازد، هزینه جریمه اش بسیار زیاد باشد. از این طریق پرداخت مالیات را تبدیل به فرهنگ کرده اند.
میرزایی	فرار مالیاتی	بخش خدمات حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد اقتصاد را شکل می دهد، اما چون جلوی چشم مامور مالیاتی نیست، فرار مالیاتی در این بخش زیاد است.
دوانی	فرار مالیاتی	طبق قانون، وزیر دارایی می تواند بر علیه فراریان مالیاتی اعلام جرم کند اما از ابتدایی که این قانون نوشته شده تا حالا، علیه هیچ فردی این اتفاق نیفتاده است.
میرزایی	عدم شفافیت	بیش از ۷۰ درصد پرونده های مالیاتی علی الراس است یعنی بر مبنای دفاتر نیست و این یعنی عدم شفافیت و بی اعتمادی.
دوانی	اعتماد متقابل	برای اینکه مالیات فرهنگ شود باید یک اعتماد متقابل بین سازمان امور مالیاتی و مردم بوجود بیاید اما تا حالا این اعتماد در کشور ما نبوده است. مؤدی فکر می کند سازمان امور مالیاتی دروغ می گوید و سازمان امور مالیاتی هم اصل را بر این گذاشته که مؤدی دروغ می گوید.
میرزایی	اعتماد متقابل	سیستم مالیاتی عادلانه نیست یعنی از دو فرد در شرایط مساوی، به دو شکل متفاوت مالیات اخذ می شود و این موجب دلسردی مودیان می شود.
طالبی	نگرش غلط مالیاتی	در ایران چهار نهاد اقتصادی مهم به همدیگر تبادل اطلاعات مالی نمی کنند و با هم مرتبط نیستند. به همین علت ممیز مالیاتی هیچ اطلاعاتی از مودیان در اختیارش نیست بنابراین شواهد و قرائینی جز آنچه مودی ارائه می کند، برای ممیز وجود ندارد که بخواهد از روی آن میزان مالیات را تعیین کند.
دوانی	نگرش غلط مالیاتی	نرخ مالیات برای یک بنگاه تولیدی بسیار بزرگ با یک بنگاه کوچک برابر است. در حالی که دولت باید از بنگاه های کوچک خیلی بیشتر حمایت کند.
هشی	نگرش غلط مالیاتی	ما الان بیش از دوهزار مؤدی مالیاتی بزرگ داریم که ۹۰ درصد مالیات وصولی از مودیان بزرگ نیز مربوط به شرکت های دولتی است.
دوانی	نگرش غلط مالیاتی	در کشورهایی که مالیات مجموع درآمد را اجرا می کنند، مجموع هزینه را هم قبول می کنند اما در ایران مجموع هزینه پذیرفته نمی شود.
میرزایی	نگرش غلط مالیاتی	گاهی برخی افراد سازمان امور مالیاتی بعضی از بخشنامه ها را قبول ندارند در حالی که بخشنامه در حکم قانون است و باید آن را قبول داشته باشد.
میرزایی	نگرش غلط مالیاتی	سیستم مالیاتی عمدتاً فکر می کند که واحدها حداکثر سود کمتری دارند و قبول ندارد که یک تولید کننده ممکن است ضرر بدهد.
دوانی	نگرش غلط مالیاتی	دستگاه مالیاتی بجای «عملکردی»، «بودجه ای» عمل می کند؛ یعنی می گوید اگر بودجه امسال ۲۰ درصد افزایش یافته مودی باید ۲۰ درصد اضافه پرداخت مالیات داشته باشد فارغ از اینکه آیا سود داشته است یا نه؟
طالبی	نگرش غلط مالیاتی	در بسیاری از کشورها، دستگاه های وصول مالیات برای اخذ مالیات نسبت به فعالیت های گوناگون نرخ هایشان را کم و زیاد می کنند ولی ما در ایران معافیت های مالیاتی داریم!
دوانی	مالیات بر ارزش افزوده	معاف شدن برخی حلقه های زنجیروار مالیات بر ارزش افزوده باعث بهم ریختن کل مجموعه و متضرر شدن مشمولین این قانون هستند که به همان اندازه قدرت رقابتی شان کاهش یافته است.
دوانی	مالیات بر ارزش افزوده	اگر قانون مالیات بر ارزش افزوده درست اجرایی شود و شفاف سازی اقتصادی صورت بگیرد، مالیات گریزان مشخص شده و بنابراین فشار از مودیان شناخته شده سابق کم می شود.
میرزایی	مالیات بر ارزش افزوده	اشکالات روند اجرایی شدن قانون مالیات بر ارزش افزوده این بود که اولاً دولت در اجرا خیلی عجله کرد و دوم این که این قانون باید در شرایطی اجرایی می شد که رونق اقتصادی وجود داشت.
هشی	مالیات بر ارزش افزوده	نقش مهمی که مالیات بر ارزش افزوده داشت این بود که درآمدها شفاف شود. سازمان امور مالیاتی هیچ مبنا و معیاری برای عملکرد خوب و یا بد مالیات بر ارزش افزوده ندارد.
نوروزی	مالیات بر ارزش افزوده	در نحوه اجرایی شدن مالیات بر ارزش افزوده چون حلقه های مالیاتی هنوز کامل نشده بیشترین تأثیر منفی را بخش تولید می پذیرد.
میرزایی	فرهنگ مالیات	سازمان امور مالیاتی به دو دلیل نمی تواند مالیات به حق را از "کسبه" بگیرد. اول اینکه متشکلند و در مقابل سازمان امور مالیاتی تجمع و اعتراض می کنند و دوم اینکه قدرت انتقال دارند یعنی می توانند مالیات خود را از طریق افزایش قیمت کالای خود، به مصرف کننده منتقل کند.
دوانی	فرهنگ مالیات	اگر مردم ببینند که در جامعه نموده های پرداخت مالیات ظاهر شده، مثلاً امکانات رفاهی و تفریحی بیشتری ایجاد شده است، برای دادن مالیات دلگرم تر می شوند.
هشی	فرهنگ مالیات	بنگاه اقتصادی با استفاده از مشاور متخصص به دنبال کاهش مالیات می رود. که این کار می تواند با ترفندی یا سوء استفاده از ضعف سیستم مالیاتی یا حساب سازی یا اقتصاد زیرزمینی صورت پذیرد.
میرزایی	فرهنگ مالیات	فرهنگ مالیاتی در کشور ما وجود ندارد و دادن مالیات نوعی حماقت تلقی می شود!
نوروزی	فرهنگ مالیات	نظام پاسخگویی ضعیف است و ممیز با مودی از موضع تحکم برخورد می کند.



در گفت و گو با مهندس شافعی نایب رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران بررسی شد:

عدالت مالیاتی از نگاه بخش خصوصی

زحمت کش، مدیری

مالیات به عنوان یکی از ارکان اصلی تامین مالی دولت و به عنوان یکی از بسترهای جدی بخش خصوصی در ارتباط مالی با دولت همیشه برای طرفین جایگاه ویژه ای داشته است. در گفت و گو حاضر با نایب رئیس اتاق بازرگانی ایران به بررسی وضعیت مالیات در ایران از نگاه بخش خصوصی پرداخته ایم

خیلی ها قائلند که مالیات جزو هزینه های تمام شده حساب نمی شود و این را جزو هزینه تمام شده نمی دانند چقدر این درست است؟

در مورد خود مالیات یکی از مسائلی که در این خصوص برای ما مهم بوده، این است که درآمدهای حاصل از نفت در کشور نباید صرف هزینه های جاری در کشور شود و باید صرف آبادانی و توسعه اقتصادی کشور، سرمایه گذاری و فعالیت های زیرساختی شود منبع اصلی دولت برای هزینه های جاری باید مالیات باشد. بنابراین مالیات به عنوان یکی از منابع دولت برای انجام هزینه ها و حتی بخشی از سرمایه گذاری ها است و مطمئناً دریافت مالیات از فعالین اقتصادی باید با شفافیت تمام مد نظر باشد. مالیات یکی از فاکتورهای قیمت تمام شده است. نهادهای مختلف تولید عوامل مختلفی هستند هر آنچه که برای تولید پرداختی انجام شود بر قیمت تمام شده کالا موثر است بنابراین مالیات و نرخ تسهیلات بانکی و... بر قیمت تمام شده کالا اثر دارد. مانند مالیات کارکنان که فرقی با سایر هزینه های یک واحد اقتصادی ندارد و یک هزینه محسوب می شود.

سیاری از فعالان اقتصادی معتقدند که دریافت مالیات در ایران عادلانه نیست و برای اثبات ادعای خود دلایل مختلفی از جمله معافیت های مالیاتی و... ارائه می کنند که قدرت رقابت پذیری را پایین می آورد؟

این حرف کاملاً درستی است. سیستم مالیاتی در کشور عادلانه نیست و این عادلانه نبودن بر می گردد به اینکه سیستم های شفاف برای دریافت مالیات وجود ندارد نه اینکه سازمان دریافت مالیات تبعیضی در دریافت مالیات برای ۲ واحد اقتصادی مشابه قائل شود. این عدم شفافیت در دریافت مالیات باعث می شود که ما فرار مالیاتی داشته باشیم و امکان فرار مالیاتی، عدالت در زمینه مالیات را از فعالان اقتصادی سلب می کند در عین حال آنهایی که خودشان را مقید به قانون می دانند مالیات شان را پرداخت می کنند و آنان که پایبند به قانون نیستند راهی برای فرارشان وجود دارد و مالیات پرداخت نمی کنند. دولت هم در چند سال گذشته برای رسیدن به این شفافیت در پرداخت مالیات بهتر و عادلانه قدم هایی را برداشته است، از جمله مالیات بر ارزش افزوده که شاید یکی از اهداف اصلی آن رفتن به شفافیت در پرداخت مالیات است. البته در راهکارهای اجرایی اقدامات اختلاف نظرهایی وجود دارد.

راهکارهای اجرایی مناسب تر می تواند اجرا شود که یکی از این راهکارها بتواند هم اهداف مالیات را محقق کند و واحدهای فعال اقتصادی را دچار نوسانات شدید در پرداخت مالیات نکند. موضوع بعدی کاملاً درست است مافعالان اقتصادی بسیاری در کشور داریم که به دلایلی آنان را از پرداخت مالیات معاف کرده اند. بنابراین از آن جا که اگر مالیات تائیری بر قیمت تمام شده کالا داشته باشد، این کار غیر عادلانه ای است که ما واحدهای مشابهی را داشته باشیم و بعضی ها را معافیت هایی بدهیم که قیمت تمام شده آنان پائین تر و بعضی ها بالاتر باشد. معافیت های مالیاتی تنها در صورتی می تواند مورد قبول و تایید باشد که مادر بخشی و یا در جاهایی از کشور به دنبال تقویت اقتصادی در زمینه بعضی سرمایه گذاری ها باشیم مثل مناطق خیلی محروم که آن هم برای مدت مشخص برای سوق دادن سرمایه گذار با معافیت های مالیاتی و سایر مشوق ها یا در مورد زمینه های کاری ویژه ای که کشور نیازمند سرمایه گذاری است ممکن است برای سوق دادن افراد برای سرمایه گذاری در آن رشته خاص معافیت هایی برای مدت مشخص معین کنیم برخی از این معافیت ها رقابت عادلانه بین واحدهای اقتصادی را از بین می برد.

بعضی ها معتقدند که قوانین مالیاتی شفافیت لازم را ندارد و همین امر باعث می شود ممیزهای مالیاتی برداشت های متفاوتی داشته باشند. نظر شما در این باره چیست؟

کلا در تولید قانون در کشور کمبودی وجود ندارد و همواره قوانین خوبی قانون گذاران تصویب نموده اند. در نظارت بر اجرای قانون ضعف وجود دارد. بخصوص بر آیین نامه ها و بخش نامه های صادره برای اجرای قانون هیچ کسی نظارت ندارد که این مشکل اصلی است. قانون دارای یک پروسه تعریف شده است. قانون بعد از آن که تصویب شد در بعضی جاها پالایش می شود. شورای نگهبان و نهایتاً مجمع تشخیص مصلحت نظام، اما وقتی آیین نامه ای صادر می شود اشکال اینجاست که کسی بر آن نظارت ندارد، این می تواند برای یک قانون شفاف، نسخه غیر شفاف ایجاد کند. قانون شفاف باید دارای نظارت شفاف باشد. در بعضی جاها قوانین ما شفافیت لازم را ندارد و تفسیرهای مختلفی توسط افراد می شود. قانون باید آن قدر شفاف باشد که تفسیر به رای افراد نشود. در این مورد این نکته را متذکر شوم که خوشبختانه در برنامه ۵ توسعه نگاه های خوبی به این موضوع شده است از جمله یک کمیته ای ایجاد شده است که مرکز آن در اتاق بازرگانی است که متشکل از دو عضو از دولت، دو عضو از مجلس که کارش شناخت قوانین زائد و خلاءهای قانونی و پیشنهاد برای پر کردن این خلاءها است. این کمیته اگر درست عمل کند می تواند بسیاری از مشکلات بخش تولید از جمله مالیات را حل نماید. یکی دیگر از علل مشکلات مالیاتی، عدم استفاده از کارشناسان در میدان عمل هستند در تصویب قوانین و لوایح اگر از این کارشناسان استفاده بشود حتماً به شفافیت قانون اضافه می شود و راه فرارهای نادرست را برای همه خواهد بست. تصور ما این است که در اجرای برنامه توسعه بسیاری از موانع و مشکلات رفع خواهد شد از جمله تقویت فرهنگ پرداخت مالیات. من پرداخت مالیات را یک وظیفه شرعی و قانونی برای خودم می دانم و دریافت کننده مالیات، باید به من به عنوان تامین کننده هزینه دولت احترام ویژه ای بگذارد. اگر این ارتباط یک ارتباط مناسب شود حتماً دو طرف به دنبال دور زدن در موضوع مالیات نخواهند

بود. روی این مساله خیلی کار شده است.

در زمینه دفاتر حسابداری چطور و مخدوش اعلام کردن آنها و علی الراس شدن مالیات؟

در زمینه علی الراس کردن دفاتر شرکت ها دو حالت وجود دارد یکی اینکه واقعا مقررات و قوانین در دفاتر رعایت نشده باشد و یا در دفاتر به موضوعی برخورد شود که حاکی از یک نوع عدم شفافیت مودی مالیاتی باشد که باید با آنان برخورد شود. اما از همه مهمتر رفتن به این سمت است که بتوانیم مودیان مالیاتی را از برخورد های شدید و کنترل های پلیسی به سمت خود کنترل کنیم و برای این قضیه فکر شده است. به عنوان مثال مجموعه اتاق های بازرگانی کشور با سازمان امور مالیاتی کشور منسوری را امضاء کرده اند تا بر اساس آن فعالان اقتصادی رتبه بندی شوند. با یک بررسی کامل با توجه به فاکتورهای مختلف بخشی از فعالان اقتصادی در کارت طلایی قرار می گیرند، پس از آن کارت نقره ای و کارت برنزی است. شرایط احراز این شرایط بسیار سخت است باید فرد ثابت کند در این ۲۰ سال گذشته سالم کار کرده ام و مالیات را درست پرداخت نموده ام. پیش بینی شده است که با خطایی به کارت برنزی نزل کند. این کارت ها مانند یک کارت هوشمند است که در تمام کشور وضعیت مالیاتی فرد قابل شناسایی می باشد. هیچ گانهی در کشور دارای اقتصاد سالم بزرگ تر از فرار مالیاتی نیست و دارای جریمه های سنگینی می باشند. فرار مالیاتی تجاوز به حقوق عمومی و گناه آن بزرگ است و باید دارای پیگرد باشد.

آیا آماری از پرداخت مالیات توسط فعالان اقتصادی بخش خصوصی دارید؟

من آماری در این زمینه ندارم. در زمینه استان خراسان من این را می توانم ادعا کنم در مورد رابطه امور سازمان امور مالیاتی استان با فعالان اقتصادی خراسان رضوی در مقایسه با سایر استان ها رابطه مطلوب تری است. یکی از کارهای قابل ستایشی که سازمان امور مالیاتی استان انجام داده این است که هیات عالی رتبه ای را امینتی بر بخش خصوصی طراحی نموده تا در مورد پرونده هایی که در یکی از شعب مالیاتی قابل حل نیست پس از بررسی کارشناسی به طور بی طرفانه تصمیم گیری کند. در اکثر استان های کشور کمیسیون هایی در این ارتباط وجود دارد که اکثر آنها آمیخته است. در استان خراسان این کمیسیون ها فعال است و در جهت واقعی کردن مالیات افراد گام بر می دارد.

در باره تاثیر اخذ مالیات بر ارزش افزوده و شناسایی اقتصادداریز مینی چه نظری دارید؟ چقدر موثر بوده است؟

مالیات بر ارزش افزوده کار بسیار خوبی است که در کشورهای دارای صاحب اقتصاد سالم انجام می شود. منتهی در راهکارها دچار مشکل هستیم. راهکارهای پیاده سازی مالیات بر ارزش افزوده که می تواند بهتر از این باشد. در زمینه مالیات بر ارزش افزوده آن چه که می توان بیان کرد این است که باید توجه اصلی به فلسفه مالیات بر ارزش افزوده معطوف شود به طوری که این مالیات، نوعی مالیات بر مصرف باشد و ضمن آنکه باید به صورت شفاف اجرا شود. دریافت این مالیات باید طوری نباشد که تلقی شود که مالیات بر تولید است. اگر تلقی از این مالیات، مالیات بر تولید باشد این نه تنها فلسفه آن را تامین نمی کند که مشکلات عدیده ای را برای تولید کشور ایجاد خواهد کرد.